

**Effect of Management Ability and Corporate Governance  
Mechanisms on the Relationship between Managerial  
Overconfidence and Audit Fees**

**Hasan Zalaghi**

Assistant Professor Department of Accounting, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran,  
zalaghi@basu.ac.ir

**Salar Saifi Laleh\***

M.A of Accounting, Imam Khomains International University, Qazvin, Iran  
(Corresponding Author) Salar.Saifi94@Gmail.Com

**Fatemeh Sadat Minaei Tabrizi**

M.A of Accounting, Imam Khomains International University, Qazvin, Iran.  
fateme.minaei1373@gmail.com

**Abstract**

**Purpose:** Financial statements approved by the auditor are the most important source of information for investors. Therefore, determining the audit fee with the company management decision is very important. Management also has characteristics that are considered in negotiation for audit fees. The purpose of this study is to investigate the effect of managers' ability and corporate governance mechanisms on the relationship between managerial overconfidence and audit fees.

**Methods:** The research hypotheses were tested by collecting data from 124 companies listed in Tehran Stock Exchange and Farabours during the period 2014-2019. Management ability was measured using Demirjian et al.'s (2012) Data Envelopment Analysis (DEA) model and managerial overconfidence was also measured through the index of excess investment in the assets of Ahmed and Duelman's (2013) model and corporate governance was also measured by the model introduced by Cassell et al. (2012) for the board of directors and audit committee

**Results:** According to research findings, management ability has a negative and significant effect on the relationship between managerial overconfidence and audit fees. But the effect of the board of directors and audit committee on the relationship between managerial overconfidence and audit fees were not significant.

**Conclusion:** This study revealed that managers with higher ability are more likely to reduce the risk of auditing, even in firms with managerial confidence.

**Contribution:** Since management overconfidence increases the risk of optimal decisions in the company, therefore by examining the significant impact of management ability and corporate governance mechanisms on audit fees in companies with overconfident managers, this study adds a new perspective to the literature of management characteristics and management relationships with auditor through audit fees.

**Keywords:** Managerial Overconfidence, Corporate Governance, Audit Fees, Audit Committee.

## تأثیر توانایی مدیریت و سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی

حسن زلّقی

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، zalaghi@basu.ac.ir

سالار سیفی لاله \*

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، (نویسنده مسئول)

salar.saifi94@gmail.com

فاطمه سادات مینایی تبریزی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،

fateme.minaei1373@gmail.com

### چکیده

**هدف:** صورت‌های مالی حسابرسی‌شده، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی سرمایه‌گذاران است. بنابراین تعیین حق‌الزحمه حسابرسی با تصمیم مدیریت شرکت، اهمیت ویژه‌ای دارد. مدیریت نیز دارای ویژگی‌هایی است که در مذاکره برای حق‌الزحمه حسابرسی مورد توجه است. هدف پژوهش، بررسی تأثیر توانایی مدیران و سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی است.

**روش:** با جمع‌آوری داده‌های ۱۲۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران طی دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ فرضیه‌های پژوهش بررسی شدند. توانایی مدیریت از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) دمی‌رجیان و همکاران (۲۰۱۲) و بیش‌اعتمادی مدیریتی از طریق شاخص میزان سرمایه‌گذاری مازاد در دارایی‌های مدل احمد و دوئل‌من (۲۰۱۳) محاسبه شد و حاکمیت شرکتی بوسیله مدل کاسل و همکاران (۲۰۱۲) برای هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی اندازه‌گیری شد.

**یافته‌ها:** طبق یافته‌های پژوهش، توانایی مدیریت تأثیر منفی و معنادار بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی دارد. اما تأثیر هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی معنادار نبودند.

**نتیجه‌گیری:** این پژوهش نشان داد که مدیران با توانایی بالا، به احتمال بیشتری قادر به کاهش ریسک حسابرسی هستند که حتی در شرکت‌هایی که اعتماد به نفس کاذب مدیریتی دارند نیز اینگونه است.

**دانش‌افزایی:** چون اعتماد به نفس بیش‌ازحد مدیریت ریسک تصمیم‌گیری‌های بهینه را در شرکت بالا می‌برد، لذا با بررسی تأثیر توانایی مدیریت و سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های با مدیریت بیش‌اعتماد، این پژوهش دیدگاهی جدید را به ادبیات و ویژگی‌های مدیریت و روابط مدیریت با حسابرس از طریق حق‌الزحمه حسابرسی، اضافه می‌کند.

**واژگان کلیدی:** بیش‌اعتمادی مدیریتی، حاکمیت شرکتی، حق‌الزحمه حسابرسی، کمیته حسابرسی.

## ۱- مقدمه

مدیریت واحد تجاری و ویژگی‌های مختلفی که دارند، نقش مهمی در تبدیل منابع شرکت به درآمد و خلق ثروت برای سهامداران دارد. قابلیت و توانایی مدیران شرکت‌ها، یکی از ابعاد مهم و ارزشمند دارایی نامشهود واحدهای تجاری محسوب می‌شوند (نمازی و غفاری، ۱۳۹۴؛ ۲). یافته‌های پژوهش کریشنان و وانگ (۲۰۱۵؛ ۱۵۴) نشان داد که مدیران با قابلیت و توانایی بیشتر، کیفیت سود شرکت را بیشتر کرده و ریسک حسابرسی را کاهش می‌دهند که منجر به حق‌الزحمه حسابرسی پایین‌تر می‌شود. دمرجیان و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۳؛ ۴۹۱-۴۹۴) نیز نتیجه گرفتند که کیفیت سود بالاتر به طور مثبتی با توانایی مدیریتی همراه است و مدیران قادر به برآورد بهتر اقلام تهedy حسابداری هستند و معیار دقیق‌تری در سنجش سود دارند. از این‌رو قابلیت‌های مدیریت بر میزان حق‌الزحمه حسابرسی پرداختی از سوی شرکت تأثیرگذار است. به عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های ذاتی و شخصیتی مدیریت، بیش‌اعتمادی یا اعتماد به نفس بیش از حد (کاذب) یک مفهوم مهم مورد بحث در تئوری‌های مالی و روانشناسی است. در بیان رابطه بیش‌اعتمادی و حق‌الزحمه حسابرسی دو دیدگاه وجود دارد، از طرفی، حسابرسان با پی بردن به اعتماد به نفس کاذب مدیریت، ریسک گزارشگری مالی را بیشتر از حد برآورد کرده و به منظور کاهش این ریسک، رسیدگی بیشتر و در نتیجه حق‌الزحمه بیشتری طلب می‌کند. از سوی دیگر، مدیر بیش‌اعتماد به دلیل اطمینان و خوش‌بینی به فرآیند گزارشگری مالی شرکت، در مذاکرات خویش جهت کاهش دامنه رسیدگی حسابرسان و به تبع آن کاهش حق‌الزحمه حسابرسی تلاش می‌کند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۳۶۷).

به منظور تعدیل اقدامات مدیریت بر منافع ذینفعان شرکت و تأثیرپذیری فرآیند گزارشگری مالی، وجود سازوکاری جهت کنترل الزامی است. حاکمیت شرکتی قوی در کسب اطمینان از کیفیت گزارشگری مالی نقش مهمی را ایفا می‌کند. از میان ارکان متعدد حاکمیتی، هیئت مدیره و کمیته حسابرسی از شاخص‌ترین سازوکارها به شمار می‌روند. هیئت مدیره و کمیته حسابرسی کارا، تلاش بیشتری در جهت به حداقل رساندن ریسک نقدینگی مالی منجر به حق‌الزحمه حسابرسی بالاتر، می‌کنند. در واقع حاکمیت شرکتی قوی‌تر به کاهش ریسک گزارشگری مالی منجر شده و افزایش در حق‌الزحمه حسابرسی برای پوشش هزینه‌های اضافی بالقوه ناشی از ریسک را منتفی می‌کند (کارسلو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ ابوت و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳).

حق‌الزحمه حسابرسی یکی از ابعاد اقتصادی مهم رابطه حسابرسان و مدیریت صاحبکار است. ادبیات موجود درباره حق‌الزحمه حسابرسی به بررسی تأثیر عوامل کلان اقتصادی و عوامل خاص هر شرکت بر تعیین حق‌الزحمه حسابرسی می‌پردازد. برخی پژوهش‌ها، تأثیر ضعف کنترل‌های داخلی و راهکارهای آن و ویژگی‌های مدیریتی را بر حق‌الزحمه حسابرسی مورد

بررسی قرار داده‌اند. در حالی که مطالعات دیگر تاثیر حاکمیت شرکتی را به شکل ویژگی‌های هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و استقلال حسابرس را در زمینه حق‌الزحمه حسابرسی مورد مطالعه قرار دادند (شیمونیچ<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰؛ کارسلو و همکاران، ۲۰۰۲؛ آبوت و همکاران، ۲۰۰۳؛ کریشنان و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱؛ وانگ و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳). ارتباط بین ویژگی‌های مدیریتی خاص مانند دوره تصدی مدیر عامل و حق‌الزحمه حسابرسی (هوانگ و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴)، جریانات وجه نقد و کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی (بک و مولدین<sup>۸</sup>، ۲۰۱۴) و توانایی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی (کریشنان و وانگ، ۲۰۱۵) از جمله پژوهش‌های انجام شده در حوزه حق‌الزحمه حسابرسی است که نتایج نشان می‌دهند ویژگی‌های مدیریتی، تصمیم‌گیری درباره حق‌الزحمه حسابرسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

این پژوهش به دنبال بررسی اثر توانایی مدیر و سازوکارهای حاکمیت شرکتی (ویژگی‌های هیئت‌مدیره شامل تعداد اعضا، استقلال اعضا و دوگانگی؛ ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تعداد اعضا، تخصص مالی اعضا و استقلال اعضا) واحد تجاری بر رابطه موجود بین حق‌الزحمه حسابرسی و بیش اعتمادی مدیران است. پژوهشگران به دنبال پاسخ به این سوال هستند که آیا توانایی مدیریتی بالاتر، اثر زیان‌آور اعتماد به نفس کاذب مدیریتی را بر ریسک حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی کاهش می‌دهد یا خیر. در کنار بررسی تاثیر توانایی مدیران، از مهم‌ترین ارکان حاکمیت شرکتی یعنی هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی نیز برای مشخص کردن نقش آنها در رابطه بیش اعتمادی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی استفاده شده است. دستاورد کلیدی این پژوهش روشن کردن این موضوع است که مدیران دارای ویژگی‌های شخصیتی متنوع، از طریق جایگاه قانونی و تصمیم‌گیری خویش، می‌توانند بر چگونگی نظارت برون‌سازمانی حسابرس مستقل بر فرآیند گزارشگری مالی تاثیر بگذارند. بنابراین شناخت عوامل مدیریتی موثر بر حق‌الزحمه حسابرسی، نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی را در تصویب دستورالعمل‌های متناسب برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی، یاری می‌دهد. در ادامه مقاله، مبانی نظری و تجربی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش، روش‌شناسی و مدل‌های مورد استفاده همراه با تعاریف متغیرهای پژوهش و یافته‌های به دست آمده ارائه می‌شود.

## ۲- مبانی نظری، مبانی تجربی و فرضیه‌ها

پژوهش‌های قبلی تاثیر ویژگی‌های مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی را ارزیابی کرده‌اند و نشان دادند که مدیران تاثیر قابل توجهی بر سیاست‌های افشا شرکت‌ها (بامبر و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰)، ویژگی‌های مختلف گزارشگری مالی مانند تامین مالی خارج از ترازنامه، اقلام تعهدی اختیاری و محافظه‌کاری حسابداری (جی و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱) و استراتژی‌های اجتناب از مالیات شرکت‌ها دارند (دایرنگ و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۰). مالمندیر و همکاران<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۱)؛ ۱۶۹۵-۱۶۹۶ معتقدند که اعتماد بیش از حد مدیریت منجر به تحریف اطلاعات مالی شرکت

می‌شود. مدیران بیش اعتماد تعصب خوش بینانه‌ای در برآوردهای حسابداری دارند که منجر به ارائه نادرست صورت‌های مالی در آن دسته از شرکت‌هایی می‌شود که سود را برای برآورده کردن پیش‌بینی‌های خوش بینانه‌ی قبلی، دست‌کاری می‌کنند. هریبار و یانگ<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۶؛ ۲۰۹) دریافتند که مدیران بیش اعتماد به احتمال زیاد پیش‌بینی‌های درآمدی خوش بینانه‌ای را منتشر می‌کنند که بعداً محقق نمی‌شود. همچنین از نظر چن و همکاران<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۳) و بر پایه تئوری-های روانشناسی، مدیر بیش اعتماد، به ارزیابی بیش از حد تقاضای آتی تمایل داشته و بنابراین دیرتر از زمان لغو فروش اقدام به قطع شناسایی هزینه‌های اداری و فروش می‌کنند. آنها دریافتند که چسبندگی هزینه اداری و فروش دارای رابطه مثبت و معنادار با بیش اعتمادی مدیریتی است. نتایج آنها با اعمال معیارهای مختلف سنجش بیش اعتمادی همچنان معتبر بود و دیدگاه تازه‌ای را درباره نقش نظرات خاص مدیریت در مدیریت هزینه معرفی کرد. اعتماد به نفس کاذب مدیر عامل، رفتار گزارشگری مالی را تغییر می‌دهد و با کاهش در محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی منجر به استراتژی‌های گزارشگری تهاجمی‌تری توسط این دسته از مدیران می‌شود (احمد و دوئلمن<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۳؛ ۷). گایونگ و جونگ<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۵) نیز چگونگی تأثیر اعتماد به نفس کاذب مدیر را بر گزارش حسابرسی بررسی کردند. آنها نشان دادند که احتمال انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت در شرکت‌های دارای مدیر بیش اعتماد نسبت به سایر شرکت‌ها، بالاتر است. آنها همچنین ادعا کردند که این رابطه مثبت بین بیش اعتمادی مدیریتی و بند تداوم فعالیت گزارش حسابرسی در شرایط ابهام و نااطمینانی بازار سرمایه تقویت می‌شود.

ویژگی‌های مدیریتی و ریسک‌های مربوطه آن نیز تأثیر عمیقی بر تصمیمات راجع به قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی دارند. مطابق ادبیات موجود در این حوزه، حق‌الزحمه‌های حسابرسی در واکنش به افزایش ریسک‌های خاص مشتریان، افزایش می‌یابد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۳، ۷۴۶؛ جانسون و همکاران، ۲۰۱۳). خودشیفتگی مدیریتی با ارزیابی ریسک توسط حسابرسان ارتباط تنگاتنگی دارد. اگر حسابرسان ریسک مرتبط با بیش اعتمادی مدیران را تشخیص دهند، ممکن است اعتماد به نفس کاذب مدیریتی را همراه با ریسک گزارشگری مالی بالاتر در نظر بگیرند. در این صورت حسابرسان به احتمال زیاد دامنه کار حسابرسی را افزایش می‌دهند که به تلاش‌های حسابرسی بالاتر منجر می‌شود تا ریسک حسابرسی را در سطح قابل قبولی به حداقل برسانند. بنابراین ممکن است که حق‌الزحمه‌های حسابرسی در شرکت‌هایی با مدیران بیش اعتماد بالاتر باشد (جانسون و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۳، ۲۰۷).

از سوی دیگر، مدیران بیش اعتماد برآوردهای حسابداری متهورانه‌ای در تهیه اطلاعات مالی و مذاکره با حسابرسان برای کاهش دامنه حسابرسی و حق‌الزحمه‌های حسابرسی پایین‌تر انجام

می‌دهند. مدیران ممکن است خواهان رسیدگی سطح بالایی در مورد صورت‌های مالی خود نباشند و به دنبال حسابرسی با کیفیت پایین و پرداخت حق‌الزحمه‌های حسابرسی پایین‌تر باشند. دوئلمن و همکاران<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۵؛ ۱۵۹-۱۶۱) رابطه بیش اعتمادی مدیریت را با حق‌الزحمه حسابرسی بررسی کردند. آنها در این پژوهش تاثیر استقرار کمیته حسابرسی قوی بر این رابطه را نیز بررسی کردند. طبق نتایج آنان، در صورتیکه شرکت فاقد کمیته حسابرسی قوی و کارا باشد، بین بیش اعتمادی مدیریتی با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی وجود دارد. همچنین مدیران بیش اعتماد تمایل کمتری به استفاده از حساب‌رسان متخصص در صنعت مورد فعالیت خویش دارند.

توانایی مدیریتی بالاتر با تجدید ارائه مالی کمتر، پایداری سود بالاتر و کیفیت بالاتر اقلام تعهدی مرتبط است. مدیران با قابلیت و توانایی بیشتر، در برآورد اقلام تعهدی بهتر عمل کرده و منجر به معیار دقیق‌تر برای برآورد سود می‌شود. در واقع می‌توان مشاهده کرد که مدیران تا چه اندازه‌ای دارای قدرت تاثیرگذاری بر قضاوت‌ها و برآوردهای مورد استفاده در تعیین سود هستند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳). طبق یافته‌های پژوهش اندرو و همکاران<sup>۱۹</sup> (۲۰۱۳)، شرکت‌های دارای مدیر توانا‌تر، در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ بیشتر سرمایه‌گذاری کرده و سودآوری بیشتری حاصل کرده‌اند و لذا بین توانایی مدیر و عملکرد شرکت رابطه مثبت وجود دارد. همچنین عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های با مدیر توانا کمتر است. همچنین مدیران با توانایی بالاتر، در مدیریت سود فعالیت‌های واقعی کمتر شرکت می‌کنند و این مدیران، تاثیر منفی مدیریت سود فعالیت‌های واقعی را بر عملکرد شرکت در آینده کاهش می‌دهند (هوانگ و سان<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۷؛ ۱۰۱). توانایی مدیران حتی بر گزارش حسابرسی شرکت نیز موثر است. احتمال صدور بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی شرکت‌های دارای مدیران توانا‌تر، به میزان چشم‌گیری پایین‌تر است (کریشن و وانگ، ۲۰۱۵؛ ۱۴۲). از سوی دیگر جیراپورن و همکاران<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۵) نتیجه گرفتند که پرداخت سود در بین شرکت‌های با مدیر باهوش و توانا بیشتر است. حتی میزان سود پرداختی نیز دو درصد بیشتر از سایر شرکت‌ها بوده است. طبق یافته‌های آنان، توانایی مدیران، آنان را به قابلیت‌های خویش جهت سودآوری برای شرکت مطمئن کرده و اقدام به پرداخت سود تقسیمی بیشتری می‌کنند.

این بحث‌ها و پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که مدیران با توانایی بالا به احتمال بیشتری قادر به کاهش ریسک حسابرسی هستند بطوریکه این کاهش ریسک حتی در شرکت‌هایی با مدیران بیش اعتماد نیز مشهود است. در صورتی که مدیران بیش اعتماد، دارای توانایی بیشتری نیز برای اعمال قضاوت‌های حسابداری صحیح در گزارشگری مالی و شناخت بهتر صنعت باشند آن‌گاه حساب‌رسان شرکت ریسک حسابرسی و ریسک تجاری شرکت را در سطح پایین‌تری ارزیابی می‌کنند. از آنجا که ویژگی‌های مدیران ارشد اغلب در گزینش مشتری و

پذیرش و برنامه‌ریزی حسابرسی توسط حسابرسان در نظر گرفته می‌شوند، بنابراین توانایی مدیریتی بالاتر نیز به دلیل کاهش ریسک در مقایسه با شرکت‌های دارای توانایی مدیریتی پایین، در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی در نظر گرفته می‌شود (کیزیریا و همکاران، ۲۰۰۵؛ جانسون و همکاران، ۲۰۱۳). هریبار و همکاران<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۲) واکنش‌های متقابل به بیش‌اعتمادی مدیریتی را بررسی کردند. نتایج حاکی از آن بود که بیش‌اعتمادی مدیریتی با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه مثبت دارد اما با رتبه اعتباری کسب شده از موسسات اعتباری رابطه منفی داشته و شرکت‌های دارای مدیر بیش‌اعتماد، هزینه بدهی بیشتر و ریسک اعتباری بالاتری دارند.

از میان پژوهش‌های صورت گرفته در ایران نیز نتایج ارزشمندی در این حوزه وجود دارند. خزایی و همکاران (۱۳۹۸؛ ۳۹) تأثیر توانایی مدیریت بر میزان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را بررسی کردند. طبق یافته‌های آنان، بین توانایی مدیریت محاسبه شده با مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) و قابلیت مقایسه مدل دی‌فرانکو<sup>۲۳</sup> و همکاران (۲۰۱۱) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. سپاسی و همکاران (۱۳۹۴؛ ۱۰۶) نیز تأثیر توانایی مدیریت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی را با تأکید بر انگیزه‌های فرصت‌طلبانه بررسی کردند. پژوهشگران با استفاده از دو نمونه مجزا برای بررسی تأثیر انگیزه فرصت‌طلبی در تجدید ارائه صورت‌های مالی، دریافتند که فقط هنگامی بین توانایی مدیریت و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معنادار وجود دارد که نوع رفتار، فرصت‌طلبانه باشد و در انواع مختلف غیرفرصت‌طلبانه، رابطه معناداری وجود ندارد. نمونه مورد استفاده برای انگیزه فرصت‌طلبانه، ۸۷ شرکت و در نمونه غیرفرصت‌طلبانه ۲۲۴ شرکت بوده که در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ مورد آزمون قرار گرفته‌اند. در حوزه بیش‌اعتمادی مدیریت نیز، کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۹۸؛ ۲۷۷) به بررسی پیامدهای اقتصادی بیش‌اعتمادی مدیران در شرکت‌های بورسی پرداختند. پژوهشگران از معیارهای مختلف سنجش پیامدهای اقتصادی در پژوهش خود استفاده کردند. یافته‌ها نشان داد که بیش‌اعتمادی مدیران بر مدیریت سود و افزایش هزینه‌های حسابرسی، تأثیر مثبت و معنادار و بر کاهش نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری تأثیر منفی و معنادار دارد. هر دو رابطه بدست آمده بر کاهش کیفیت گزارشگری مالی در حضور مدیران بیش‌اعتماد دلالت دارند. نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶؛ ۳۶) هم خوش‌بینی مدیران را مطالعه کردند که خوش‌بینی در این پژوهش مترادف با اعتماد به نفس کاذب (بیش‌اعتمادی) مدیران در نظر گرفته شده و از سه معیار محاسبه شده است که یکی از آنها معیار اسکراند و زکمن (۲۰۱۲) بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد خوش‌بینی مدیران با ریسک سقوط قیمت سهام دارای رابطه معنادار است، همچنین رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سقوط قیمت سهام از خوش‌بینی مدیران تأثیر می‌پذیرد. در پژوهشی دیگر، نصیری پوردری و همکاران (۱۳۹۵؛ ۵۶) بیش‌اعتمادی

مدیر و بیش‌نمایی سود را بررسی کردند. در این پژوهش بیش‌نمایی سود از طریق مقادیر مثبت مدل مدیریت سود کوتاری محاسبه شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بین بیش‌اعتمادی مدیر و بیش‌نمایی سود رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. تاکید این پژوهش‌ها بر این نکته است که بیش‌اعتمادی مدیر، عاملی در استفاده از رویه‌های غیرمحافظة‌کارانه و افزایش سود است.

برای شرکت‌های دارای مدیر بیش‌اعتماد، توانایی مدیریتی بالاتر حق‌الزحمه‌های حسابرسی را کاهش می‌دهد چراکه مدیران توان‌تر ریسک حسابرسی که ناشی از اقدامات مدیریتی بیش‌اعتمادانه است را کاهش می‌دهند. از این گزاره می‌توان این‌گونه برداشت کرد که توانایی مدیریتی بالاتر، رابطه مثبت بین اعتماد به نفس کاذب مدیریت و حق‌الزحمه‌های حسابرسی را تعدیل می‌کند. همچنین، اگر مدیران بیش‌اعتماد به حسابرسی با کیفیت پایین اصرار کنند و حق‌الزحمه‌های حسابرسی کمتری پرداخت کنند که منجر به رابطه منفی بین اعتماد بیش‌ازحد مدیریت و حق‌الزحمه‌های حسابرسی می‌گردد، آنگاه توانایی مدیریتی بالاتر احتمالاً این تمایل را که خدمات حسابرسی با کیفیت پایین‌تری خریداری شود را کاهش دهد. با توجه به مباحث ذکر شده، فرضیه اول این پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود که:

فرضیه اول: توانایی مدیریتی، بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی تاثیر معنادار دارد.

پژوهش‌های کارسلو و همکاران (۲۰۰۲) و آبوت و همکاران (۲۰۰۳) در مقوله حاکمیت شرکتی، ارتباط بین ویژگی‌های حاکمیتی خاص و وقوع بی‌نظمی‌های گزارشگری مالی و تقلب را مورد بررسی قرار داده است و نشان می‌دهد که حاکمیت قوی‌تر کیفیت گزارشگری مالی بالاتر را به دنبال دارد. ارزیابی‌ها و رسیدگی‌های حسابرسان و حق‌الزحمه‌های حسابرسی نیز تحت تاثیر کیفیت و اثربخشی حاکمیت شرکتی قرار دارند (میترا و همکاران<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۹؛ ۸۴۳-۸۴۷). موسسات حسابرسی، هیئت مدیره و ویژگی‌های مدیریتی مربوط به آن و کمیته حسابرسی شرکت مورد بررسی را در زمان تصمیم‌گیری جهت پذیرش یا رد رسیدگی، در نظر می‌گیرند. از دیدگاه مبتنی بر ریسک، نظارت قوی‌تر می‌تواند به طور بالقوه گزارشگری مالی و ریسک حسابرسی را کاهش دهد و در نتیجه حق‌الزحمه‌های حسابرسی کاهش یابد. اما دیدگاه مبتنی بر تقاضا بیان می‌کند که، حاکمیت قوی‌تر می‌تواند منجر به تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر شود تا ریسک گزارشگری را کاهش دهد که منجر به هزینه‌های حسابرسی بالاتر می‌شود. بنابراین، هیئت مدیره و کمیته‌های حسابرسی قوی‌تر هم می‌توانند با کاهش حق‌الزحمه حسابرسی همراه باشند که به دلیل ارزیابی‌های ریسک کم‌تر حسابرسان بوده و هم با افزایش حق‌الزحمه حسابرسی به دلیل تقاضا برای رسیدگی حسابرسی بالاتر (کاسل و همکاران<sup>۲۵</sup>، ۲۰۱۲؛ ۱۸۵).



مطالعات قبلی اغلب شواهدی دال بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت پیدا کرده‌اند. زکمن و اسکراند<sup>۲۶</sup> (۲۰۱۲) با در نظر گرفتن درصد مالکیت عمده و ترکیب هیئت مدیره، تفاوت ناچیزی در نظارت بر شرکت‌های دارای مدیر بیش اعتماد و شرکت‌های کنترل در نمونه پیدا کردند. رابطه بین محافظه‌کاری و اعتماد به نفس کاذب مدیر نیز تحت تأثیر سیستم حاکمیتی شرکت قرار نمی‌گیرد. استدلال موجود این است که ناظران غیرموظف و مستقل، احتمالاً برای مدیران بیش اعتماد ارزش خاصی قائل هستند و آن‌ها را انتخاب می‌کنند تا از هزینه‌های بالقوه حسابداری محافظه کارانه اجتناب کنند (احمد و دوئلن، ۲۰۱۳). اما دوئلن و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که استقرار کمیته حسابرسی قوی تمایل مدیران در بکارگیری حسابرسی‌های کیفیت پایین را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه، کمیته حسابرسی قوی رابطه بین اعتماد به نفس کاذب مدیر و حق‌الزحمه‌های حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌ها، دیدگاه‌ها و نظرات موجود در ادبیات حاکمیت شرکتی، نشان می‌دهند که اگر سیستم نظارتی قوی، اثربخشی حاکمیتی را بهبود بخشد و ریسک ارائه نادرست صورت‌های مالی ناشی از اقدامات مدیریت بیش اعتماد را کاهش دهد، ریسک حسابرسی و ریسک تجاری شرکت پایین‌تر در نظر گرفته شده و در نتیجه، حق‌الزحمه حسابرسی برای شرکت‌های دارای مدیر بیش اعتمادی که از نظر سیستم حاکمیت شرکتی جایگاه مطلوبی دارند، در مقایسه با شرکت‌هایی که حاکمیت ضعیفی دارند، کاهش پیدا می‌کند. طبق یافته‌های بادآور نهندی و حشمت (۱۳۹۷؛ ۹۹) توانایی مدیریت با ارزش ایجاد شده برای سهامداران ارتباط مثبت دارد و حاکمیت شرکتی قوی‌تر، این رابطه مثبت را تشدید می‌کند. کاهش تضاد منافع بین مدیران و مالکان ناشی از اجرای صحیح سازوکارهای حاکمیت شرکتی، فراهم کننده انگیزه برای مدیران جهت افزایش ارزش شرکت است. هیئت مدیره و کمیته حسابرسی کارآمد ممکن است توسط حسابرسان به عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در کنترل داخلی شرکت نگرینسته شوند و منجر به این تصمیم شوند که ریسک کار حسابرسی مورد نیاز را کاهش دهند (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳؛ ۲۲). اما در طرف مقابل، اگر ناظران داخلی (یعنی، هیئت مدیره و اعضای کمیته حسابرسی) بیش از حد نگران اعتماد به نفس کاذب مدیریتی و اثر زیان‌آور آن بر فرآیند گزارشگری مالی شرکت‌ها باشند، بیشتر به دنبال حسابرسی با کیفیت بالاتر هستند تا ریسک ارائه نادرست صورتهای مالی را کاهش دهند و منافع سهامداران را ارتقا دهند. در نتیجه اقدام مذکور، حسابرسان رسیدگی‌های خود را با گسترش دامنه کار حسابرسی و تعامل با کارکنان حرفه‌ای و تخصصی افزایش می‌دهند که به معنای حق‌الزحمه‌های حسابرسی بالاتر می‌باشد (میترا و همکاران، ۲۰۱۹). در این باره، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۶؛ ۵۸) در پژوهشی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی را مطالعه کردند. از آنجاکه کمیته حسابرسی به عنوان مسئول نظارت بر کار حسابرسان، نقش موثری در تعیین حجم و حدود

رسیدگی کار حسابرسان دارند لذا پژوهشگران معتقد به رابطه معنادار بین این دو متغیر بودند. آنها دریافتند که تشکیل و استقرار کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی دارای رابطه مثبت و معنادار است اما بین استقلال اعضا و تخصص اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نکردند. همچنین، طبق یافته‌های ملکیان و همکاران (۱۳۹۱؛ ۴۷)، بین حق الزحمه حسابرسی و درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره رابطه منفی و بین حق الزحمه حسابرسی و دوگانگی مدیرعامل رابطه مثبت وجود دارد که این رابطه مثبت توسط مالکیت پراکنده و غیرمتمرکز تشدید می‌شود. با توجه به مباحث ذکر شده، فرضیه دوم و سوم این پژوهش به شرح زیر بیان می‌شوند که:

فرضیه دوم: ویژگی‌های هیئت مدیره بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معنادار دارد.

فرضیه سوم: ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معنادار دارد.

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر فرآیند اجرا (نوع داده‌ها) یک پژوهش کمی، از منظر نتیجه‌ی اجرای آن یک پژوهش کاربردی، از منظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی)، از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی-استقرایی و از منظر بعد زمانی، یک پژوهش طولی (پس رویدادی) است. گردآوری داده‌ها به روش آرشیوی صورت گرفته است بدین معنی که در بخش اول، ادبیات موجود در زمینه موضوع پژوهش از مقالات معتبر گردآوری و مطالعه شده است. سپس داده‌ها و اطلاعات لازم جهت آزمون فرضیه‌ها نیز از سایت سازمان بورس اوراق بهادار، بانک‌های اطلاعاتی و پایگاه‌های داده همچون کدال جمع‌آوری شده‌اند. همچنین این پژوهش برای بازه زمانی شش ساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ انجام می‌پذیرد. از آنجا که یکی از متغیرهای مستقل پژوهش از ویژگی‌های کمیته حسابرسی انتخاب شده و در ایران نیز سابقه تشکیل کمیته حسابرسی به سال ۱۳۹۱ بازمی‌گردد (طبق منشور کمیته حسابرسی)، این دوره زمانی شش ساله در نظر گرفته شده است. جامعه آماری موردنظر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران است. نمونه آماری نیز بر اساس اعمال روش حذف سیستماتیک انتخاب می‌شود. در واقع با در نظر گرفتن محدودیت‌های اعمال شده، شرکت‌های واجد شرایط غربال شده است. محدودیت‌های انتخاب شرکت‌ها از قرار زیر هستند:

۱. دارای کمیته حسابرسی باشند.
۲. جزو شرکت‌های واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و بیمه‌ها نباشند.
۳. داده‌های موردنظر آنها در دسترس باشد.

نگاره ۱. نحوه انتخاب نمونه آماری پژوهش

ردیف	شرح	تعداد
۱	شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۱ در بورس تهران و فرابورس ایران پذیرفته شده‌اند	۴۳۶
۲	شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۲ کمیته حسابرسی تشکیل نداده‌اند	۱۰۴
۴	شرکت‌هایی که اطلاعات آنها بطور کامل در دسترس نبوده‌اند	۹۹
۵	شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، واسطه مالی و بیمه‌ها	۱۰۹
۶	نمونه نهایی	۱۲۴

منبع: یافته‌های پژوهش

### ۳-۱. مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از دو مدل رگرسیونی به شرح مدل‌های ۱ و ۲ استفاده می‌شود. این مدل‌ها با بررسی مطالعات میترا و همکاران (۲۰۱۸)، هوانگ و همکاران (۲۰۱۴) و کریشنان و همکاران (۲۰۱۱) مورد استفاده قرار می‌گیرند. فرضیه اول پژوهش با استفاده از مدل ۱ آزمون می‌شود و برای آزمون فرضیه‌های دوم و سوم از مدل ۲ استفاده می‌شود.

مدل (۱)

$$lnfee_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 moc_{i,t} + \beta_2 ability_{i,t} + \beta_3 moc * ability_{i,t} + \beta_4 size_{i,t} + \beta_5 recinv_{i,t} + \beta_6 agrowth_{i,t} + \beta_7 mb_{i,t} + \beta_8 lev_{i,t} + \beta_9 roa_{i,t} + \beta_{10} initial_{i,t} + \beta_{11} big_{i,t} + \beta_{12} audten_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۲)

$$lnfee_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 moc_{i,t} + \beta_2 bscore_{i,t} + \beta_3 acscore_{i,t} + \beta_4 moc * bscore_{i,t} + \beta_5 moc * acscore_{i,t} + \beta_6 size_{i,t} + \beta_7 recinv_{i,t} + \beta_8 agrowth_{i,t} + \beta_9 mb_{i,t} + \beta_{10} lev_{i,t} + \beta_{11} roa_{i,t} + \beta_{12} initial_{i,t} + \beta_{13} big_{i,t} + \beta_{14} audten_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش (lnfee)، حق‌الزحمه حسابرسی است که از طریق لگاریتم طبیعی مبلغ حق‌الزحمه حسابرسی افشا شده توسط شرکت‌ها بدست می‌آید (سجادی و بنابی قدیم، ۱۳۹۴).

متغیر مستقل

در مدل ۱ و برای آزمون فرضیه اول، متغیرهای مستقل عبارتند از بیش‌اعتمادی مدیر (moc) و توانایی مدیر (ability). البته به منظور آزمون فرضیه اول، از تعامل این دو متغیر (moc\*ability) در مدل استفاده شده و معناداری این متغیر تعاملی در نظر گرفته می‌شود. برای بیش‌اعتمادی مدیران (moc) به پیروی از پژوهش اسکراند و زکمن (۲۰۱۱) از شاخص میزان سرمایه‌گذاری مازاد در دارایی‌ها استفاده شده است. این شاخص از طریق رگرسیون رشد دارایی بر رشد فروش برآورد می‌شود (مدل ۳). باقیمانده مدل ۳، میزان بیش‌اعتمادی مدیر را نشان داده و استفاده از آن بر این مبنا است که در شرکت‌های با نرخ رشد بیشتر دارایی نسبت به فروش، میزان سرمایه‌گذاری مدیر بیشتر از همتایان خویش بوده است. مقدار مثبت باقیمانده

رگرسیون، به معنای سرمایه‌گذاری بیش از حد بوده و به عنوان شاخصی از بیش اعتمادی در نظر گرفته می‌شود (بشکوه و کشاورز، ۱۳۹۷).

مدل (۳)

$$AG_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$AG_{i,t}$ : رشد دارایی شرکت  $i$  در سال  $t$  نسبت به سال قبل.

$SG_{i,t}$ : رشد فروش شرکت  $i$  در سال  $t$  نسبت به سال قبل.

$\varepsilon$ : باقیمانده مدل، مقادیر مثبت بیانگر بیش اعتمادی مدیریتی.

در این پژوهش برای اندازه‌گیری توانایی مدیریت از پژوهش انجام گرفته توسط دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. در الگوی معرفی شده این پژوهشگران، با استفاده از کارایی شرکت به عنوان متغیر وابسته مدل و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می‌شود.

برای اندازه‌گیری کارایی شرکت، دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲) از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده کرده‌اند. این الگو، یک نوع الگوی آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد یک سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی کاربرد دارد. در تحلیل پوششی داده‌ها، درآمد حاصل از فروش به عنوان خروجی و ۷ متغیر دیگر شامل بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه‌های عمومی اداری و فروش، خالص اموال ماشین‌آلات و تجهیزات، هزینه اجاره عملیاتی، هزینه تحقیق و توسعه، سرقفلی و سایر دارایی‌های نامشهود را به عنوان ورودی در نظر گرفته شده است. در این پژوهش به شرط در دسترس بودن و مطابق شرایط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، از پنج متغیر بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه‌های عمومی اداری و فروش، خالص اموال ماشین‌آلات و تجهیزات، سرقفلی و سایر دارایی‌های نامشهود به عنوان متغیرهای ورودی استفاده شده است.

مدل (۴)

$$\text{Max } \theta = \text{Sales} / (\text{COGS} + \text{SG\&A} + \text{PPE} + \text{Intangible} + \text{Goodwill})$$

کارایی شرکت‌ها متأثر از دو عامل ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیران است. کارایی حاصل از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها دربردارنده ویژگی‌های شرکت و توانایی مدیران است بنابراین با استفاده از مدل ۵، باقیمانده مدل به عنوان توانایی مدیران در نظر گرفته می‌شود.

مدل (۵)

$$\text{firm efficiency}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{size}_{i,t} + \beta_2 \text{m share}_{i,t} + \beta_3 \text{fcf}_{i,t} + \beta_4 \text{age}_{i,t} + \beta_5 \text{fc}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در این رابطه:

Firm efficiency: کارایی شرکت؛ حاصل از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها (مدل ۳).

Size: اندازه شرکت؛ لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت در سال جاری.

Mshare: سهم از بازار؛ نسبت فروش شرکت به جمع فروش شرکت‌های هم‌صنعت.  
Fcf: جریان‌ات وجه نقد عملیاتی؛ اگر جریان‌ات وجه نقد عملیاتی مثبت باشد، یک و در غیر این‌صورت صفر.

Age: سن شرکت؛ لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های سپری شده از پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار.

Fc: عملیات خارجی؛ اگر شرکت صادرات داشته باشد، یک و در غیر این‌صورت صفر.  
E: باقیمانده مدل؛ نشان‌دهنده توانایی مدیران است.

در مدل ۲ نیز که برای آزمون فرضیه‌های دوم و سوم مورد استفاده قرار می‌گیرد، متغیرهای مستقل امتیاز هیئت‌مدیره و امتیاز کمیته حسابرسی هستند. این دو متغیر با بررسی پژوهش کاسل و همکاران (۲۰۱۲) بکار گرفته شده‌اند. در این فرضیه‌ها، از متغیر تعاملی بیش‌اعتمادی و هیئت‌مدیره (moc\*bscore) و بیش‌اعتمادی و کمیته حسابرسی (moc\*acscore) استفاده شده است و آزمون فرضیه‌های دوم و سوم با معناداری ضرایب این متغیرهای تعاملی بررسی می‌شوند. امتیاز هیئت‌مدیره (bscore) به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$Bscore = bind + dual + bsize$$

Bind: استقلال هیئت‌مدیره؛ اگر نسبت اعضای مستقل هیئت‌مدیره بیشتر از میانه باشد، یک و در غیر این‌صورت صفر.

Dual: دوگانگی مدیرعامل؛ اگر مدیرعامل، نایب رئیس هیئت‌مدیره نیز باشد، یک و در غیر این‌صورت صفر.

Bsize: اندازه هیئت‌مدیره؛ اگر تعداد اعضای هیئت‌مدیره بیشتر از میانه باشد، یک و در غیر این‌صورت صفر.

امتیاز کمیته حسابرسی (acscore) نیز به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$Acscore = acsize + acexp + acind$$

Acsize: اندازه کمیته حسابرسی؛ اگر تعداد اعضای کمیته حسابرسی بیشتر از میانه باشد، یک و در غیر این‌صورت صفر.

Acexp: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی؛ اگر نسبت اعضای دارای تخصص مالی کمیته بیشتر از میانه باشد، یک و در غیر این‌صورت صفر.

Acind: استقلال کمیته حسابرسی؛ اگر نسبت اعضای مستقل کمیته حسابرسی بیشتر از میانه باشد، یک و در غیر این‌صورت صفر.

متغیرهای کنترلی

Size<sub>i,t</sub>: اندازه شرکت؛ لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت در سال جاری. پیچیدگی زیاد محیط تجاری صاحبکار، فرآیند حسابرسی را پیچیده‌تر کرده و در نتیجه حقالزحمه درخواستی حسابرس را افزایش می‌دهد. این وضعیت برای شرکت‌های بزرگ‌تر دارای

پسچیدگی بیشتر است (سن‌کاراگوروسوامی و ویسنات<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۴). Recinvi,t: نسبت جمع حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا به مجموع دارایی‌های شرکت. موجودی کالا دارای ریسک معیوب شدن و حساب‌های دریافتنی دارای ریسک عدم وصول هستند و هر دو ریسک تجاری صاحبکار را دستخوش تغییر می‌کنند که در نهایت موجب تاثیرپذیری حق‌الزحمه حسابرس می‌شود (لی و جی<sup>۲۸</sup>، ۲۰۱۵). Agrowthi,t: رشد دارایی؛ درصد تغییر دارایی در سال جاری نسبت به سال قبل. رشد و بزرگتر شدن دارایی شرکت، پسچیدگی آن را افزایش می‌دهد که همچون اندازه شرکت، حق‌الزحمه حسابرس را متاثر می‌کنند (ایمانی برندق و همکاران، ۱۳۹۶). Mbi,t: ارزش بازار به ارزش دفتری؛ نسبت ارزش بازار سهام شرکت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام. Levi,t: اهرم مالی؛ نسبت جمع بدهی به جمع دارایی شرکت. ROAi,t: بازده دارایی‌ها؛ نسبت سود خالص بر مجموع دارایی‌های شرکت. این سه متغیر نیز برای کنترل اثرات شرایط مالی، رشد و عملیات شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی در نظر گرفته شدند. شرکت‌های دارای اهرم مالی بالا، نسبت سودآوری پایین و ارزش بازار کمتر از ارزش دفتری، احتمالاً ریسک تقدینگی بالایی داشته باشند که در نهایت به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی منجر شود (ایمانی برندق و همکاران، ۱۳۹۶). Initiali,t: حسابرس جدید؛ اگر موسسه حسابرسی برای اولین سال حسابرسی شرکت را بر عهده گرفته باشد، یک و در غیر اینصورت صفر. ممکن است به منظور افزایش احتمال پذیرش صاحبکار، در اولین دوره حسابرسی، موسسه حسابرسی به صاحبکار در حق‌الزحمه حسابرسی تخفیف بدهد لذا بین حسابرسی نخستین یا حسابرس جدید و حق‌الزحمه حسابرسی وجود رابطه مورد انتظار است (سن‌کاراگوروسوامی و ویسنات، ۲۰۰۴). Bigi,t: اندازه حسابرس، اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی یا جزو طبقه اول طبقه‌بندی حسابرسان معتمد بورس اوراق بهادار باشد، یک و در غیر اینصورت صفر. موسسات بزرگ و معتبر، با توجه به منابع در دسترس، توانایی کاهش ریسک حسابرسی از طریق گسترش دامنه رسیدگی یا افزایش کیفیت فرآیند حسابرسی را دارند که این عوامل بر حق‌الزحمه حسابرسی تاثیر می‌گذارد (اورادی و همکاران، ۱۳۹۷). Audteni,t: تصدی حسابرس؛ تعداد سال‌های همکاری موسسه حسابرسی و شرکت. از آنجا که همکاری بلندمدت و بیش از یک دوره حسابرس و صاحبکار، شناخت طرفین از شرایط را در پی دارد، لذا احتمال دارد میزان حق‌الزحمه حسابرسی درخواستی حسابرس یا پرداختی صاحبکار از میزان آشنایی و همکاری آنان تاثیر بپذیرد (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۴).

## ۴- یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

نگاره ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
LNFFEE	۷/۱۰۵۶	۷/۰۵۶۰	۱۰/۵۴۸۰	۳/۸۰۷۰	۰/۷۶۶۴	۰/۲۵۲۴	۴/۵۵۱۶
ABILITY	-/۰۰۰۰	-/۰۲۱۵	۱/۰۱۷۴	-/۰۸۹۶۵	۰/۲۶۴۱	۰/۳۳۳۵	۳/۹۷۷۰
BSCORE	-/۷۲۱۷	۱/۰۰۰۰	۳/۰۰۰۰	-/۰۰۰۰	۰/۵۹۹۹	۰/۳۱۳۲	۲/۹۹۸۹
ACSCORE	۱/۳۵۶۱	۱/۰۰۰۰	۳/۰۰۰۰	-/۰۰۰۰	۰/۶۴۶۵	۰/۰۹۷۰	۲/۸۴۴۲
SIZE	۱۴/۵۳۱۷	۱۴/۳۷۳۵	۱۹/۸۹۲۰	۱۱/۷۶۷۰	۱/۳۵۲۹	۰/۸۸۹۸	۴/۳۸۶۶
RECINV	-/۵۱۹۹	-/۵۱۱۰	-/۹۴۴۰	-/۰۵۴۰	۰/۲۰۵۱	۰/۰۵۳۱	۲/۰۰۵۷
AGROWTH	-/۱۸۰۵	-/۱۳۰۰	۱/۵۲۱۰	-/۰۳۱۰	۰/۲۴۸۴	۱/۷۲۰۰	۷/۵۵۹۳
MB	۲/۵۵۱۴	۲/۲۴۱۱	۷/۶۰۷۱	-/۱۵۷۸۰	۱/۴۶۸۳	۰/۹۶۷۲	۴/۲۵۵۸
LEV	-/۵۶۲۷	-/۵۷۴۵	۱/۲۷۹۰	-/۰۰۱۳۰	۰/۲۰۵۱	-/۰۰۹۱۰	۳/۱۶۱۲
ROA	-/۱۵۷۷	-/۱۲۷۴	-/۷۱۲۰	-/۳۰۴۲	۰/۱۴۹۳	۰/۳۶۵۷	۲/۳۶۵۷
AUDTEN	۲/۹۳۰	۲/۰۰۰۰	۶/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۱/۳۲۳۸	۰/۹۶۲۸	۳/۳۰۴۰
MOC	مقادیر مشاهدات صفر	۳۴۱	مقادیر مشاهدات یک	۴۰۳			
BIG	مقادیر مشاهدات صفر	۲۰۱	مقادیر مشاهدات یک	۵۴۳			
INITIAL	مقادیر مشاهدات صفر	۵۷۹	مقادیر مشاهدات یک	۱۶۵			

منبع: یافته‌های پژوهش

همانگونه که در نگاره ۲ مشاهده می‌شود، متغیر حق‌الزحمه حسابرسی که متغیر وابسته مدل نیز هست، دارای میانگین تقریباً ۷ می‌باشد. انحراف معیار ۷۶ درصدی متغیر نشان‌دهنده پراکندگی متعادل داده‌ها حول میانگین و بیانگر شرکت‌های انتخاب شده متعادل در بحث حق‌الزحمه حسابرسی است. متغیر بیش‌اعتمادی چون متغیری دووجهی است لذا محاسبه شاخص‌های متعارف آماری از جمله میانگین برای آن معناداری نداشته و فقط فراوانی آن ذکر شده است که طبق یافته‌ها، حدود ۵۴ درصد شرکت‌های نمونه دارای مدیر بیش‌اعتماد بوده‌اند. متغیر توانایی مدیریت چون از باقیمانده مدل دمیرجان و همکاران (۲۰۱۲) (مدل ۵) بدست آمده لذا میانگین آن صفر است. میانگین امتیاز هیئت مدیره و امتیاز کمیته حسابرسی به عنوان دیگر متغیرهای مستقل پژوهش به ترتیب ۰/۷۲ و ۱/۳۵ می‌باشد. آمار توصیفی سایر متغیرهای کنترلی پژوهش به شرح جدول ۲ است.

### مانایی (پایایی) متغیرها

در پژوهش‌هایی که با ساختار داده‌های پانل انجام می‌شود، پیش از تخمین مدل رگرسیون باید از مانایی (پایایی یا ایستایی) متغیرها اطمینان حاصل کرد. اجرای مدل رگرسیون با متغیرهای نامانای ممکن است نتایج کاذب ارائه کند. برای شناسایی مانایی متغیرها از آزمون ریشه واحد استفاده می‌شود. نگاره ۳ حاوی نتایج یکی از انواع آزمون ریشه واحد، تحت عنوان آزمون لوین، لین و چو است که برای تک تک متغیرها مانایی سنجیده شده است. طبق جدول، سطح اطمینان آزمون کلیه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و کلیه متغیرها مانا هستند. البته متغیر امتیاز

کمیتة حسابرسی با یک تفاضل مانا شده است. در واقع این متغیر نامانا با تفاضل گیری مرتبه اول داده‌ها که توسط نرم‌افزار صورت گرفت، مانا شده است.

### نگاره ۳. نتایج آزمون مانایی متغیرها

نام متغیر	آماره t آزمون	سطح اطمینان	نتیجه آزمون
LNFEET	-۱۰/۳۱۲۴	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
ABILITY	-۸/۰۲۷۶	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
BSCORE	-۳/۵۲۶۲	۰/۰۰۰۲	متغیر مانا است
ACSCORE	-۱۲/۹۳۳۶	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
SIZE	-۱۰/۵۱۲۵	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
RECINV	-۲۱/۵۹۳۷	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
AGROWTH	-۳۰/۰۳۲۰	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
MB	-۲۳/۴۰۴۵	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
LEV	-۲۷/۴۰۸۵	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
ROA	-۱۹/۴۱۷۸	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
AUDTEN	-۱۲/۵۰۹۶	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
MOC	-۹/۳۵۱۷	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
BIG	-۴/۹۷۶۸	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است
INITIAL	-۱۷/۲۰۹۳	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است

منبع: نتایج پژوهش

### آزمون فرضیه‌ها

#### فرضیه اول

فرضیه اول پژوهش با استفاده از مدل ۱ که پیش‌تر تشریح شد، آزمون می‌شود. پس از مشخص شدن مانایی متغیرهای مورد استفاده در مدل، گام اول در برآزش مدل، تصمیم در خصوص استفاده از مدل اثرات مقید (داده‌های پولد) در مقابل اثرات غیر مقید (داده‌های پانل) می‌باشد. این موضوع بستگی به ثابت یا متغیر بودن عرض از مبدأ مدل دارد. برای تشخیص ساختار مناسب از آزمون چاو (لیمر) استفاده می‌شود. اگر نتیجه آزمون استفاده از ساختار داده پانل را الزامی کند، گام بعدی برداشته می‌شود. در گام دوم مدل اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی بررسی می‌شود. این موضوع به رابطه بین تغییرات عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی در مدل بستگی دارد. تشخیص الگوی مناسب در این مرحله با استفاده از آزمون هاسمن انجام می‌شود. نتایج هر دو آزمون گفته شده در نگاره ۴ نمایش داده شده است.

### نگاره ۴. نتایج آزمون چاو و هاسمن

آماره t	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۱۰/۲۱۷۴	۰/۰۰۰۰	آزمون چاو (لیمر) داده‌های پانل
۱۴/۱۳۳۴	۰/۲۹۲۳	آزمون هاسمن مدل اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهش

آخرین آزمون از آزمون‌های مورد نیاز در تخمین مدل رگرسیون برای این پژوهش بررسی همخطی است. در مدل رگرسیون چند متغیره فرض بر عدم وجود همبستگی خطی بین متغیرهای توضیحی است. طبیعی است که همواره بین متغیرهای توضیحی، مقداری همبستگی



تأثیر توانایی مدیریت و سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریتی .../۱۰۱

وجود داشته باشد اما چنانچه این همبستگی شدید باشد، نتایج مدل با اخلاص همراه خواهد شد. در حالت وجود همخطی علیرغم عدم معناداری ضرایب، ضریب تعیین مدل بزرگ خواهد بود و نتایج متناقضی در بر دارد. کشف همخطی توسط معیار عامل تورم واریانس انجام می‌گیرد. نتایج این آزمون در برآورد نهایی مدل برای هر متغیر جداگانه آورده می‌شود.

نگاره ۵. نتایج برآورد نهایی مدل اول پژوهش

$$Infee_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 moc_{i,t} + \beta_2 ability_{i,t} + \beta_3 moc * ability_{i,t} + \beta_4 size_{i,t} + \beta_5 recinv_{i,t} + \beta_6 agrowth_{i,t} + \beta_7 mb_{i,t} + \beta_8 lev_{i,t} + \beta_9 roa_{i,t} + \beta_{10} initial_{i,t} + \beta_{11} big_{i,t} + \beta_{12} audten_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری	عامل تورم واریانس VIF
MOC	-۰/۰۳۳۱	-۰/۹۶۵۲	۰/۳۳۶۷	۱/۸۵۳۹
ABILITY	-۰/۱۵۶۲	-۱/۲۲۷۰	+۰/۱۷۸۲	۲/۱۸۷۶
MOC*ABILITY	-۰/۲۵۷۵	-۲/۱۰۰۲۶	+۰/۰۲۵۷	۱/۷۷۸۸
SIZE	+۰/۳۰۰۱	۹/۹۲۲۰	+۰/۰۰۰۰	۱/۲۲۶۲
RECINV	-۰/۰۲۹۲	-۰/۲۱۹۰	+۰/۸۲۶۷	۱/۳۰۷۵
AGROWTH	-۰/۰۱۳۲	-۰/۱۹۳۲	+۰/۸۲۶۸	۱/۸۲۵۶
MB	-۰/۰۰۰۰۳	-۰/۰۲۷۲	+۰/۹۷۸۲	۱/۲۶۱۶
LEV	+۰/۲۹۰۰	۱/۹۸۰۰۱	+۰/۰۲۸۱	۱/۵۲۰۰
ROA	+۰/۳۳۲۲	۱/۶۰۵۰	+۰/۱۰۸۹	۲/۱۷۰۲
INITIAL	+۰/۱۴۵۱	۳/۵۸۷۷	+۰/۰۰۰۴	۱/۴۱۰۲
BIG	+۰/۱۴۶۱	۳/۶۸۱۵	+۰/۰۰۰۲	۱/۰۹۱۰
AUDTEN	+۰/۱۱۲۸	۷/۶۸۲۱	+۰/۰۰۰۰	۱/۵۲۳۶
C	۲/۱۷۱۹	۲/۸۹۱۸	+۰/۰۰۰۰	
ضریب تعیین	-۰/۳۱۲۳	آماره F		۲۷/۶۷۰۸
ضریب تعیین تعدیل شده	-۰/۳۰۱۰	سطح معناداری		+۰/۰۰۰۰
آماره دوربین واتسون				۱/۵۷۳۵

منبع: نتایج پژوهش

نگاره ۵ حاوی نتایج آزمون مدل ۱ برای فرضیه اول پژوهش است. طبق نتایج بدست آمده ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده مدل دارای مقادیر ۳۱ درصد و ۳۰ درصد هستند. در واقع می‌توان ادعا کرد متغیرهای مستقل و کنترلی مدل توانسته‌اند ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را به درستی توضیح دهند. آماره F نیز که برای معناداری کل مدل تفسیر می‌شود دارای مقدار ۲۷/۶۷۰۸ است که در سطح ۹۹ درصد معنادار است و مطلوبیت مدل را نشان می‌دهد. آماره دوربین واتسون نیز با مقدار ۱/۵۷ عدم خودهمبستگی در جملات اخلاص رگرسیون را با کمی اغماض تایید می‌کند. همچنین همانطور که از همخطی اسم برده شد، از آنجا که آماره VIF تمام متغیرها از ۱۰ کمتر است لذا همخطی در بین متغیرهای پژوهش دیده نمی‌شود.

پس از بیان شرایط عمومی مدل، بررسی فرضیه اول صورت می‌گیرد. فرضیه اول این پژوهش بیان می‌کند که توانایی مدیریتی، بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر معنادار دارد. برای تایید یا رد این فرضیه، ضریب متغیر تعاملی توانایی مدیریت و بیش‌اعتمادی در نظر گرفته می‌شود که طبق یافته‌های نگاره ۵، ضریب -۰/۲۵۷۵ است و در سطح

معناداری ۵ درصد معنادار است لذا فرضیه اول این پژوهش رد نمی‌شود. البته لازم به ذکر است توانایی مدیریت به تنهایی با حق‌الزحمه حسابرسی دارای رابطه معنادار نیست، اما بر رابطه بین بیش اعتمادی و حق‌الزحمه حسابرسی تاثیر معناداری دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای کنترلی مربوط به شرایط و ویژگی‌های حسابرسان مستقل، یعنی نوع حسابرسان، دوره تصدی حسابرسان و حسابرسان نخستین، بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی تاثیر معنادار دارند.

#### فرضیه دوم

فرضیه دوم با استفاده از مدل ۲ آزمون می‌شود. نتایج مربوط به آزمون چاو و هاسمن متغیرهای این مدل به شرح نگاره ۶ می‌باشد.

نگاره ۶. نتایج آزمون چاو و هاسمن

آماره t	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۱۰/۱۶۴۴ (لیمر)	۰/۰۰۰۰	داده‌های پانل
۱۸/۴۵۹۳	۰/۱۸۶۷	مدل اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از بحث درباره پیش‌فرض‌های برآزش مدل، بدلیل مانا شدن متغیر امتیاز کمیته حسابرسی با تفاضل‌گیری مرتبه اول، برای بررسی هم‌انباشتگی متغیرها از آزمون کائو استفاده می‌شود. اگر در یک مدل رگرسیون روند متغیرهای توضیحی و وابسته دارای هم‌انباشتگی باشد، امکان وجود رگرسیون کاذب از بین می‌رود. آزمون کائو با آماره  $5/1677$  و سطح معناداری  $0/0000$  هم‌انباشتگی را در ترکیب خطی متغیرهای مورد بررسی تایید کرد. اهمیت این آزمون در این است که چون یکی از متغیرها در مرتبه اول مانا شده است، چنانچه در رابطه متغیرها هم‌انباشتگی وجود نداشت، ناگزیر باید داده‌های امتیاز کمیته حسابرسی به تفاضل مرتبه اول تبدیل می‌شدند.

نگاره ۷. نتایج برآورد نهایی مدل اول پژوهش

$$Infee_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 moc_{i,t} + \beta_2 bscore_{i,t} + \beta_3 acscore_{i,t} + \beta_4 moc \cdot bscore_{i,t} + \beta_5 moc \cdot acscore_{i,t} + \beta_6 size_{i,t} + \beta_7 recinv_{i,t} + \beta_8 agrowth_{i,t} + \beta_9 mb_{i,t} + \beta_{10} lev_{i,t} + \beta_{11} roa_{i,t} + \beta_{12} initial_{i,t} + \beta_{13} big_{i,t} + \beta_{14} audten_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری	عامل تورم واریانس VIF
MOC	۰/۱۶۶۷	۱/۵۹۶۲	۰/۱۱۰۹	۷/۲۳۳۲
BSCORE	-۰/۰۲۴۲	-۰/۶۵۸۴	۰/۵۱۰۵	۱/۵۰۸۷
ACSCORE	-۰/۰۶۸۳	۱/۹۹۱۳	۰/۰۴۶۸	۱/۶۰۱۷
MOC*BSCORE	-۰/۰۰۰۶	-۰/۰۱۱۵	۰/۹۹۰۸	۲/۸۸۸۸
MOC*ACSCORE	-۰/۰۷۲۱	-۱/۳۸۹۶	۰/۱۶۵۱	۵/۱۰۱۱
SIZE	-۰/۰۳۰۵۲	۱۰/۰۳۳۲	۰/۰۰۰۰	۱/۲۳۱۸
RECINV	-۰/۰۷۶	-۰/۸۰۱۳	۰/۴۲۳۲	۱/۳۰۰۷
AGROWTH	-۰/۰۳۸	-۱/۲۵۰۷	۰/۲۱۱۴	۱/۸۵۴۰
MB	-۰/۰۰۱۱	-۰/۰۸۹۷	۰/۹۲۸۵	۱/۲۵۰۰
LEV	-۰/۰۲۷۱۱	۱/۸۴۷۸	۰/۰۶۵۰	۱/۵۶۹۰
ROA	-۰/۰۵۰۵	-۰/۳۸۱۲	۰/۷۷۸۶	۱/۷۰۰۲
INITIAL	۰/۰۱۶۸۲	۳/۶۳۵۵	۰/۰۰۰۳	۱/۲۲۱۳
BIG	-۰/۰۱۴۶۵	۳/۶۷۱۴	۰/۰۰۰۳	۱/۰۹۲۱
AUDTEN	۰/۰۱۱۷۴	۷/۹۱۸۸	۰/۰۰۰۰	۱/۵۵۵۸
C	۲/۰۹۶۶	۳/۶۶۴۳	۰/۰۰۰۰	
ضریب تعیین	۰/۳۰۴۹	آماره F		۲۲/۸۴۲۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۹۱۵	سطح معناداری		۰/۰۰۰۰
آماره دوربین واتسون				۱/۵۶۷۷

منبع: نتایج پژوهش

نگاره ۷ حاوی نتایج آزمون مدل ۲ برای فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش است. طبق نتایج بدست آمده ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده مدل دارای مقادیر ۳۰ درصد و ۲۹ درصد هستند. در واقع می‌توان ادعا کرد متغیرهای مستقل و کنترلی مدل توانسته‌اند ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را به درستی توضیح دهند. آماره F نیز که برای معناداری کل مدل تفسیر می‌شود دارای مقدار ۲۲/۸۴۲۱ است که در سطح ۹۹ درصد معنادار است و مطلوبیت مدل را نشان می‌دهد. آماره دوربین واتسون نیز با مقدار ۱/۵۴ عدم خودهمبستگی در جملات اخلاص رگرسیون را با کمی اغماض تایید می‌کند. همچنین همانطور که از همخطی اسم برده شد، از آنجا که آماره VIF تمام متغیرها از ۱۰ کمتر است لذا همخطی در بین متغیرهای پژوهش دیده نمی‌شود.

اکنون به بررسی فرضیه‌ها پرداخته می‌شود. طبق فرضیه دوم پژوهش، ویژگی‌های هیئت مدیره بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی تاثیر معنادار دارد. ضریب متغیر تعاملی بیش اعتمادی و امتیاز هیئت مدیره با مقدار ۰/۰۰۰۶- و سطح احتمال ۰/۹۹۰۸ حاکی از رد این فرضیه است. همچنین امتیاز هیئت مدیره به تنهایی هم با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معنادار ندارد. فرضیه سوم نیز بیان می‌کند که ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی تاثیر معنادار دارد. متغیر تعاملی بیش اعتمادی و

امتیاز کمیته حسابرسی با ضریب  $0.721/-$  و سطح احتمال  $0.1651$  نشان از رد این فرضیه دارد اما کمیته حسابرسی به تنهایی با حق الزحمه حسابرسی دارای رابطه مثبت و معنادار است.

## ۵- بحث و نتیجه گیری

در پژوهشی در سال ۲۰۱۲ زکمن و اسکراند دریافتند که اعتماد به نفس کاذب مدیریتی ریسک ارائه نادرست صورت‌های مالی را به دلیل تعصب خوش‌بینانه در قضاوت‌ها یا برآوردهای حسابداری افزایش می‌دهد. در واقع بیش اعتمادی مدیریتی به عنوان عامل افزایش ریسک گزارشگری مالی، در نظر گرفته می‌شود. اما از سوی دیگر، زمانی که مدیران در مورد شرکت‌های خود آگاهی بیشتری دارند و توانایی بهتری برای اتخاذ برآوردها و قضاوت‌های صحیح حسابداری داشته باشند، و اطلاعات مربوط را در پیش‌بینی‌های دقیق عملیاتی و مالی ترکیب کنند، احتمالاً حتی در شرکت‌های با مدیران بیش اعتماد، ریسک گزارشگری کاهش می‌یابد. با توجه به این دو نظریه مختلف، این پژوهش در پی بررسی تاثیر توانایی مدیریتی و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و حق الزحمه حسابرسی است. سوال اساسی این پژوهش این است که توانایی مدیریت، چگونه بر تاثیرپذیری حق الزحمه حسابرسی از بیش اعتمادی ذاتی مدیر، اثر می‌گذارد. همچنین سوال دیگر پرداخته شده در این پژوهش، تاثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و حق الزحمه حسابرسی است که از هیئت مدیره و کمیته حسابرسی به عنوان دو سازوکار نام‌برده استفاده شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که فرضیه اول تحت عنوان تاثیر توانایی مدیریتی، بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و حق الزحمه حسابرسی تایید شد. نتیجه بدست آمده بیانگر این موضوع است که اگر مدیران بیش اعتماد به حسابرسی با کیفیت پایین اصرار کنند و حق الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت کنند که منجر به رابطه منفی بین اعتماد بیش از حد مدیریت و حق الزحمه حسابرسی می‌گردد، توانایی مدیریتی بالاتر احتمالاً این تمایل را که خدمات حسابرسی با کیفیت پایین‌تری در نظر گرفته شود را کاهش می‌دهد. در واقع مدیران با توانایی بالا، به احتمال بیشتری قادر به کاهش ریسک حسابرسی هستند که حتی در شرکت‌هایی که اعتماد به نفس کاذب مدیریتی دارند نیز اینگونه است. و از سوی دیگر می‌توان این نکته را در نظر گرفت که اگر حسابرس مستقل بخواهد با بدبینی مفرط اقدام به گسترش دامنه رسیدگی کار حسابرسی نماید، توانایی بالاتر مدیر را مد نظر قرار داده و نسبت به تعدیل معقول دامنه رسیدگی اقدام نماید. این نتایج با یافته‌های پژوهش دوئلن و همکاران (۲۰۱۵)، کریشان و وانگ (۲۰۱۵) و جانسون و همکاران (۲۰۱۳) هم‌سو و هم‌راستا بوده است. اما فرضیه دوم یعنی تاثیر ویژگی‌های هیئت مدیره بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و حق الزحمه حسابرسی

و همچنین فرضیه سوم یعنی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی، تأیید نشدند. این یافته‌ها برخلاف نتایج پژوهش‌های ابوت و همکاران (۲۰۰۳)، دوئلن و همکاران (۲۰۱۵) اما موافق با پژوهش دوئلن و همکاران (۲۰۱۳) است. طبق یافته‌های این پژوهش، حق‌الزحمه حسابرسی تعیین شده توسط مدیران بیش اعتماد، از ویژگی‌های هیئت مدیره یا کمیته حسابرسی تأثیر نمی‌پذیرد. می‌توان اینگونه استدلال کرد که دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی، که مربوط به سازوکارهای نظارتی ارکان حاکمیتی و مدیریتی شرکت جهت بیشینه‌سازی ثروت سهامداران است، به صورت کامل و جامع در بازار سرمایه ایران رعایت نشده و به همین دلیل تعیین حق‌الزحمه حسابرسی که با تصمیم مستقیم مدیریت واحد تجاری است، از کارکردهای کنترلی مسئولین نظارتی شرکت تبعیت نمی‌کند.

از این نتایج بدست آمده استنتاج می‌شود که نظام فعلی حاکمیت شرکتی شرکت‌های بازار سرمایه کشور توانایی و کارکرد مطلوب جهت نظارت و کنترل بر اقدامات و تصمیمات مدیریت را ندارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در راستای اصلاح مفاد دستورالعمل‌های موجود اقداماتی انجام شود. البته می‌توان علاوه بر نظارت درونی شرکت‌ها از طریق نظام حاکمیت شرکتی قوی، نظارت بیرونی را از طریق مسئولین و ناظران بازار سرمایه و همچنین مقررات‌گذاران را فراهم آورد. همچنین درباره انتخاب مدیران نیز با اعمال فیلترهای مناسب، تواناترین افراد را برای انتصاب در جایگاه‌های مدیریتی انتخاب کنند. با توجه به یافته‌های پژوهش، در راستای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که از سایر معیارهای اندازه‌گیری بیش اعتمادی مدیریت استفاده شود. این پژوهش از معیار اسکراند و زکمن (۲۰۱۱) بهره برد اما از معیار مخارج سرمایه‌ای مالمدیر و تات (۲۰۰۵) یا معیار رفتار حفظ اختیارات مدیر مالمدیر و تات (۲۰۰۸) نیز می‌توان در محاسبه بیش اعتمادی مدیر استفاده کرد که موجب گسترش ادبیات مربوط به نقش اعتماد بنفیس کاذب مدیران در عملکرد مالی شرکت می‌شود. همچنین می‌توان نقش ویژگی‌های فردی مدیر مانند توانایی و بیش اعتمادی را در سایر تصمیمات شرکتی از جمله تصمیمات تامین مالی نیز بررسی کرد.

امروزه صنعت بانک و بیمه به عنوان یکی از صنایع بزرگ و مهم تلقی می‌شوند. در شرایط نمونه‌گیری برای این پژوهش، شرکت‌های این صنعت مستثنی شده‌اند لذا یکی از محدودیت‌های مهم پژوهش، عدم تعمیم یافته‌های این پژوهش در مورد بانک‌ها، بیمه‌ها و بطورکلی موسسات موجود در صنعت مالی است. همچنین می‌توان به عدم دسترسی و محدودیت مربوط به اطلاعات کمیته حسابرسی نیز اشاره کرد که شرایط نمونه‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. محدودیت دیگر پژوهش، مربوط به اندازه‌گیری متغیر توانایی مدیران است که از طریق معیار

کارایی مبتنی بر ورودی‌ها و خروجی‌های مالی است. بدیهی است این کارایی بدست آمده، تنها مربوط به کارایی مدیر نبوده و سایر عواملی که در مدل لحاظ نشده‌اند نیز در آن نقش داشته‌اند.

## یادداشت‌ها

1. Demerjian, Lev, Lewis & McVay
2. Carcello, Hermanson, Neal & Riley
3. Abbott, Parker, Peters, Raghunandan
4. Simunic
5. Krishnan, Krishnan, Song
6. Wang, Raghunandan, McEwen
7. Huang, Parker, Yan, Lin
8. Beck & Mauldin
9. Bamber, Jiang, Wang
10. Ge, Matsumoto, Zhang
11. Dyreng, Hanlon, Maydew
12. Malmendier, Tate, Yan
13. Hribar & Yang
14. Chen, Gores, Nasev
15. Ahmed & Duellman
16. Gayoung & Jong
17. Johnson, Kuhn, Apostolou, Hassell
18. Andreou, Ehrlich and louca
19. Huang & Sun
20. Jiraporn, Leelalai, & Tong
21. Kiziria, Mayhew, Sneathen
22. Hribar, Kim, Wilson & Yang
23. De Franco
24. Mitra, Jaggi, & Al-Hayale
25. Cassell, Giroux, Myers, Omer
26. Zechman & Schrand
27. Sankaraguruswamy & Whisenant
28. Lee & Ji

## کتابنامه

۱. اورادی، جواد، نصیرزاده، فرزانه، حصارزاده، رضا. (۱۳۹۷). تأثیر رقابت در بازار حسابرسی بر کیفیت حسابرسی: نقش اندازه بازار حسابرسی، پیشرفت‌های حسابداری، ۱۰(۲): ۱-۲۹.
۲. ایمانی برندق، محمد، عبدی، مصطفی، کاظمی علوم، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۳): ۳۰۳-۳۲۲.
۳. بادآور نهندی، یونس، حشمت، نسا. (۱۳۹۷). اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهامداران، حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۸): ۹۳-۱۰۸.
۴. بشکوه، مهدی، کشاورز، فاطمه. (۱۳۹۷). بیش اطمینانی مدیران و ریسک سقوط قیمت سهام، راهبرد مدیریت مالی، ۶(۲): ۱۹۲-۲۱۷.
۵. حساس یگانه، یحیی، حسنی القار، مسعود، مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). بیش اطمینانی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۳): ۳۶۳-۳۸۴.
۶. خزائی، مهدی، زلّقی، حسن، افلاطونی، عباس. (۱۳۹۸). تأثیر توانایی مدیریت بر میزان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، دانش حسابداری، ۱۰(۲): ۲۱-۴۲.

تأثیر توانایی مدیریت و سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریتی .../۱۰۷

۷. رمضانی، علی اکبر، بنی مهد، بهمن، رویایی، رضانعلی. (۱۳۹۴). سهم بازار حسابرسی و اظهار نظر حسابرس: شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی، دانش حسابداری و حسابداری مدیریت، ۴(۱۳): ۷۷-۸۵.
۸. سپاسی، سحر، انواری رستمی، علی اصغر، صیادی سومار، علی. (۱۳۹۴). تأثیر توانایی مدیریت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر انگیزه‌های فرصت طلبانه، دانش حسابداری مالی، ۲(۴): ۸۹-۱۱۰.
۹. سجادی، سید حسین، بنابی قدیم، رحیم. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ارزش افزوده فکری بر درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، ۱۵(۶۱): ۵-۲۵.
۱۰. عباس زاده، محمدرضا، فکور، حسین، قناد، مصطفی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی، دانش حسابداری مالی، ۴(۳): ۴۵-۶۲.
۱۱. کاشانی پور، محمد، قنبری، علی محمد، بایزیدی، انور. (۱۳۹۸). بررسی پیامدهای اقتصادی بیش اعتمادی مدیران در شرکت‌های بورسی، پیشرفت‌های حسابداری، ۱۱(۱): ۲۵۳-۲۸۴.
۱۲. ملکیان، اسفندیار، احمدپور، احمد، طالب تبار آهنگر، میثم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، حق‌الزحمه حسابرسی و میزان مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۴(۴): ۳۷-۵۰.
۱۳. نصیرزاده، فرزانه، عباس‌زاده، محمدرضا، ذوالفقار آرنانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر خوش بینی مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر روی ریسک سقوط قیمت سهام، فصلنامه حسابداری مالی، ۹(۳۴): ۳۵-۷۰.
۱۴. نصیری پوردری، سلاله، بنی مهد، بهمن، احمدزاده، حمید. (۱۳۹۵). بیش اعتمادی مدیر و بیش نمایی سود، حسابداری مدیریت، ۹(۳۰): ۵۵-۶۵.
۱۵. نمازی، محمد، غفاری، محمد جواد. (۱۳۹۴). بررسی اهمیت و نقش اطلاعات توانایی مدیران و نسبت‌های مالی به عنوان معیاری در انتخاب سید بهینه سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها)، فصلنامه حسابداری مالی، ۷(۲۶): ۱-۲۹.

## References

1. AbbasZadeh, M.R., Fakour, H, Ghannad, M, (2017). The Relationship between the audit committee features and Audit services Fees. The Journal of Financial Accounting Knowledge, 4 (3): 47-64 (In Persian).
2. Abbott LJ, Parker S, Peters GF, Raghunandan K (2003) The association between audit committee characteristics and audit fees. Audit J Pract Theory 22(2):17-32.

3. Ahmed AS, Duellman S (2013) Managerial overconfidence and accounting conservatism. *J Acc Res* 51(1):1–30.
4. Andreou, p., D. Ehrlich, and C. louca. (2013). Managerial ability and Firm performance: Evidence from the global financial crisis. Working paper. Available at. <http://www.mfsociety.org>
5. Badavar Nahandi, Y, Heshmat, N, (2018). The Impact of Corporate Governance's Mechanisms on the Relationship of Managerial Ability and Created Shareholders Value. *Management Accounting*, 11 (38): 93-108 (In Persian).
6. Bamber L, Jiang J, Wang I (2010) What's my style? The influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure. *Acc Rev* 85(4):1131–1162.
7. Beck MJ, Mauldin EG (2014) Who's really in charge? Audit committee versus CFO power and audit fees. *Acc Rev* 89 (6):2057–2085.
8. Beshkooch, M, Keshavarz, F, (2018). The Relationship between the Managerial Overconfidence and Stock Price Crash Risk in Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Management Strategy*, 6 (2): 192-217 (In Persian).
9. Carcello JV, Hermanson DR, Neal TL, Riley RA (2002) Board characteristics and audit fees. *Contemp Acc Res* 19(3):365–384.
10. Cassell CA, Giroux GA, Myers LA, Omer TC (2012) The effect of corporate governance on auditor-client realignments. *Audit J Pract Theory* 31(2):167–188.
11. Chen, C.X., Gores, T., Nasev, J. (2013). Managerial overconfidence and cost stickiness. Working Paper, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2208622>
12. De Franco. G., Kothari, S.P., Verdi, R.S. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, 49, 895-931.
13. Demerjian P, Lev B, McVay S (2012) Quantifying managerial ability: a new measure and validity tests. *Manage Sci* 58(7):1229–1248.
14. Demerjian PR, Lev B, Lewis MF, McVay SE (2013) Managerial ability and earnings quality. *Acc Rev* 88(2):463–498.
15. Duellman S, Hurwitz H, Sun Y (2015) Managerial overconfidence and audit fees. *J Contemp Acc Econ* 11(2):148–165.
16. Dyreng, S., Hanlon, M., Maydew, E. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85(4), 1163–1189.
17. Ge W, Matsumoto D, Zhang J (2011) Do CFOs have styles of their own? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. *Contemp Acc Res* 28(4):1141–1179.
18. Hasas Yeganeh, Y, Hasani Alghar, M, Marfou, M, (2015). Managerial overconfidence and audit fees. *Accounting and Auditing Review*, 22 (3): 363-384. (In Persian).
19. Hribar P, Yang H (2016) CEO overconfidence and management forecasting. *Contemp Acc Res* 33(1):204–227.



20. Hribar, P., Kim, J., Wilson, R., & Yang, H. (2012). Counterparty responses to managerial overconfidence. Working Paper. University of Iowa and University of Pennsylvania.
21. Huang HW, Parker RJ, Yan YCA, Lin YH (2014) CEO turnover and audit pricing. *Acc Horiz* 28(2):297–312.
22. Huang X, Sun L (2017) Managerial ability and real earnings management. *Adv Account* 39:91–104.
23. Imani, M, Abdi, M, Kazemi Olum, M, (2017). Investigating the Impact of Gender Diversity in the Audit Committee on the Audit Fees of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 24 (3): 303-322. (In Persian)
24. Ji, G., & Lee, J.E. (2015). Managerial overconfidence and going-concern modified audit opinion decisions. *The Journal of Applied Business Research*, 31(6), 2123-2138.
25. Jiraporn, P., Leelalai, V., & Tong, S. (2015). The effect of managerial ability on dividend policy : How do talented managers view dividend payouts? *Applied Economics Letters*, 4851(November). <http://doi.org/10.1080/13504851.2015.1114572>.
26. Johnson EN, Kuhn JR, Apostolou BA, Hassell JM (2013) Auditor perceptions of client narcissism as a fraud attitude risk factor. *Audit J Pract Theory* 32(1):203–219.
27. Kashanipour, M, Ghanbari, A.M., Bayazidi, A, (2019). The Investigating the Economic Consequences of Managers' Overconfidence in Exchange Companies. *Journal of Accounting Advances*, 11 (1): 253-284 (In Persian).
28. Khazaei, M, Zalaghi, H, Aflatooni, A, (2019). Impacts of Management Ability on of Financial Statement Comparability. *Journal of Accounting knowledge*, 10 (2): 21-42 (In Persian).
29. Kiziria TG, Mayhew BW, Sneathen LD (2005) The impact of management integrity on audit planning and evidence. *Audit J Pract Theory* 24(2):49–67.
30. Krishnan GV, Wang C (2015) The relations between managerial ability audit fees and going concern opinions. *Audit J Pract Theory* 34(3):139–160.
31. Krishnan J, Krishnan J, Song H (2011) The effect of auditing standard no. 5 on audit fees. *Audit J Pract Theory* 30(4):1–27.
32. Malekian, E, Ahmadpour, A, Talebtabar Ahangar, M, (2012).The Relationship between Some Corporate Governance, Audit Fees and Meter Ownership of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Researches*, 4 (4): 37-50. (In Persian).
33. Malmendier U, Tate G (2005) CEO overconfidence and corporate investment. *J Financ* 60:2661–2700.
34. Malmendier U, Tate G (2008) Who makes acquisition? CEO overconfidence and the market's reaction. *J Finance Econ* 89:20–43.
35. Malmendier U, Tate G, Yan J (2011) Overconfidence and early life experiences: the effect of managerial traits on corporate financial policies. *J Finance* 66:1687–1733.

36. Mitra, S., Jaggi, B., & Al-Hayale, T. (2019) Managerial overconfidence, ability, firm-governance and audit fees. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 52 (3), 841-870.
37. Namazi, M, Ghaffari, M.J., (2015).The Importance and Role of Managerial Ability Information and Financial Ratios as a Criterion for the Optimal Stock Portfolio Selection in Tehran Stock Exchange (Via Data Envelope Analysis). *Quarterly financial accounting journal*, 7 (26): 1-30(In Persian).
38. NasiriPour Dori, S, Banimahd, B, Ahmadzadeh, H, (2016). Managerial Overconfidence and Earnings Overstatement. *Management Accounting*, 9 (30): 55-65 (In Persian).
39. Nasirzadeh, F., Abbaszadeh M, R, zolfagharArani, M, H. (2017). Examining the impact of overconfidence of managers and the resulting information asymmetry on risk of falling of stock prices. *quarterly financial accounting journal*. 9(34): 35-70
40. Oradi, J, Nasirzadeh, F, Hesarzadeh, R, (2019). The Effects of Competition in Audit Market on Audit fee: The Role of Audit Market Size. *Journal of Accounting Advances*, 10 (2): 1-29. (In Persian).
41. Ramezani, A, Banimahd, B, Royae, R, (2016). Audit market share and auditor's opinion: evidence from Iranian audit private sector. *Accounting knowledge and management auditing*, 13 (4): 77-86 (In Persian).
42. Sajadi, S.H., Bonabi Ghadim, R, (2016). Investigating the Impact of Intellectual Value Added on Financial Misery of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Audit Science*, 15 (61): 5-25 (In Persian).
43. Sankaraguruswamy, S. & Whisenant, S. (2004). Pricing Initial Audit Engagements: Empirical Evidence Following Public Disclosure of Audit Fees. Working paper, University of Houston.
44. Schrand CM, Zechman SLC (2012) Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *J Acc Econ* 53:311–329.
45. Schrand, C. M. & Zechman, S. L. (2011). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2), 311-29.
46. Sepasi, S, Anvari Rostami, A.A., Sayadi Soumar, A, (2016). Investigating the effect of managerial ability on financial restatements: with emphasis on Opportunistic Incentives. *The Journal of Financial Accounting Knowledge*, 2 (4): 89-110 (In Persian).
47. Simunic D (1980) The pricing of audit services: theory and evidence. *J Acc Res* 18(1):161–190.
48. Wang C, Raghunandan K, McEwen RA (2013) Non-timely 10-K filings and audit fees. *Acc Horiz* 27(4):737–755.